



محکومیت عملیات تروریستی در پاکستان

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دیروز (سه‌شنبه) ششم شهریورماه حملات تروریستی اخیر در مناطق مختلف پاکستان به‌ویژه در ایالت بلوچستان را که به جان باختن تعدادی از نیروهای پلیس و شهروندان این کشور انجامید، به شدت محکوم کرد. کنعانی ضمن تسلیت به خانواده‌های قربانیان و ابراز همدردی با دولت و ملت پاکستان اظهار داشت: «جمهوری اسلامی ایران تروریسم در همه ابعاد آن را مردود و محکوم دانسته و در روند مبارزه با این پدیده شوم، در کنار دولت و ملت کشور همسایه و برادر پاکستان ایستاده است.» عناصر تروریستی در دو حمله جداگانه به مسافران اتوبوس و نیروهای امنیتی در ایالت بلوچستان پاکستان ۳۳ نفر از جمله چند پلیس را کشتند. همچنین کنعانی در بیانیه‌هایی جداگانه حمله تروریستی شنبه گذشته در منطقه بارساگو در کشور بوركینافاسو با صدها کشته و زخمی را محکوم کرد و به دولت و ملت بنگلادش و سودان به دلیل وقوع سیل در این دو کشور تسلیت گفت.



احضار سفیر ایران به وزارت خارجه اتریش

یک سخنگوی وزارت امور خارجه اتریش از احضار سفیر ایران به وزارت خارجه این کشور خبر داد. به گزارش ایسنا، یک سخنگوی وزارت امور خارجه اتریش به خبرگزاری اتریشی ای‌پی‌ای گفت که «عباس باقرپورادکانی» سفیر جمهوری اسلامی ایران در این کشور به دلیل آنچه «استفاده علنی از نمادهای حزب‌الله لبنان» خوانده شده، به وزارت خارجه این کشور احضار شده است. خبرگزاری ای‌پی‌ای اتریش گزارش داد که در بیانیه وزارت امور خارجه اتریش در این باره آمده است: «ما قویاً، استفاده از پرچم حزب‌الله را در پیام توییتری سفیر ایران محکوم می‌کنیم.» این خبرگزاری مدعی شد که باقرپور، روز یکشنبه در صفحه خود در شبکه اجتماعی ایکس پیامی درباره حمله تلافی‌جویانه یکشنبه گذشته حزب‌الله لبنان علیه رژیم صهیونیستی منتشر کرده بود که پرچم این جنبش نیز در آن گنجانده شده و نوشته شده بود، «حزب‌الله پیروز خواهد شد.»



پاسخ ایران قطعی است

سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان گفت: «پاسخ ایران به جنایت صهیونیست‌ها در تهران قطعی است و زمان در اختیار نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران است.» به گزارش ایرنا، مجتبی امینی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان در صفحه شخصی خود در فضای مجازی از ملاقات خود با تعدادی از متخصصان رسانه‌های لبنانی و گفت‌وگو در مورد موضوعات مهم لبنان و منطقه خبر داد. وی گفت: «آنها از استراتژی مقاومت در برابر پاسخ‌های جداگانه استقبال کردند. بر این اساس، پاسخ ایران به جنایت صهیونیست‌ها در تهران قطعی است و زمان در اختیار نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران است.»

نتایج قرارداد تقسیم ایران

دولت ایران به سرعت متوجه شد که اتحاد انگلیس و روسیه تهدیدی بزرگتر از دشمنی دو قدرت برای حاکمیت ایران است. برای بریتانیا و روسیه، این توافق در ایجاد یک همسویی دیپلماتیک مهم بود که تا جنگ جهانی اول ادامه داشت. اما در مورد این قرارداد با دولت ایران مشورت نشده بود، اما پس از امضای آن مطلع شد. اگر چه دولت ایران در موقعیتی نبود که بتواند مانع اجرای این قرارداد توسط بریتانیا و روسیه شود، اما از آنجایی که تمامیت ملی کشور را تهدید می‌کرد، از به رسمیت شناختن مشروعیت این توافق سرباز زد. ناسیونالیست‌های ایرانی به‌ویژه از اعضای این معاهده توسط بریتانیا خشمگین شدند. میراث مهم قرارداد، رشد احساسات ضدانگلیسی و دیگر نگرش‌های ضدغربی به‌عنوان مؤلفه‌های قوی ناسیونالیسم ایرانی بود. این قرارداد رقابت بین دو قدرت در رابطه با سیاست‌هایشان در ایران را از بین نبرد، اما پس از سال ۱۹۰۷، همکاری‌های گسترده‌ای به‌ویژه زمانی که منافع انگلیس و روسیه در خطر بود، تقویت شد. به‌ویژه انگلیس و روسیه در سیاست داخلی ایران مداخله کردند و از سلطنت‌طلبان در مبارزه با مشروطه‌خواهان حمایت کردند. براساس همین قرارداد بود که روسیه و بریتانیا در زمان استخدام مورگان شوستر آمریکایی به دولت مشروطه اولتیماتوم دادند و دولت ایران مجبور به اخراج شوستر شد. با وجود مخالفت دولت ایران با قرارداد ۱۹۰۷ و به رسمیت نشناختن آن اما در عمل روسیه و انگلستان آن را به‌عنوان توافقی میان خود به اجرا گذاشتند. این قرارداد بدون دخالت و اطلاع ایران منعقد شده بود و ایران را از بین دو کشور تقسیم کرده بود و طبیعتاً این دو قدرت حضور طرف سوم را در ایران برنمی‌تافتند.

آمریکا در این دوره فاقد مطامع استعماری بود و به‌عنوان دولتی که استقلال خود را با انقلاب به دست آورده بود، ملتی آزادخواه و طرفدار ملت‌ها ترسیم می‌کرد. حضور شوستر منجر به اولتیماتوم نظامی روسیه به ایران شد که در صورت عدم اخراج شوستر و اصرار بر ادامه خدمات او منجر به تجاوز نظامی روسیه به خاک ایران خواهد شد. این جدیت از سوی روسیه که حمایت بریتانیا را نیز به‌همراه داشت، اجرای عملی قرارداد ۱۹۰۷ در مورد ایران بود. حسن وثوق همزمان با این اولتیماتوم به وزارت امور خارجه برگزیده شده بود و دولت ایران با پذیرش اولتیماتوم که از سوی وثوق‌الدوله به اطلاع سفارت روسیه رسید، در عمل به قرارداد ۱۹۰۷ و جاهت بخشید؛ قراردادی که با قاطعیت دولت حسن مشیرالدوله بی‌اعتبار شده بود. شوستر آمریکایی نیز ناچار شد مأموریتش را نیمه‌تمام رها کند و در بهمن ۱۲۹۰ ایران را ترک کند. در واقع روسیه و بریتانیا بدون آنکه موافقت دولت ایران را جلب کرده باشند ایران را وادار کردند از این قرارداد تبعیت کند. قرارداد تا زمان انقلاب بلشویکی در روسیه مبنای رفتار مسکو و لندن در قبال ایران بود و هماهنگی دو قدرت در قبال ایران عرصه را بر دولت‌مردان ایرانی تنگ‌تر کرده بود و امکان بازیگری پیشین را هم سلب کرده بود. روسیه و بریتانیا در یک دهه اجرای این قرارداد اجازه حضور هیچ قدرت خارجی دیگری را در ایران نداده و عملاً روابط خارجی ایران را گروگان گرفتند و در مسائل داخلی نیز اجازه تصمیم مستقل به دولت مشروطه ندادند و تنها از اقداماتی که در راستای اهداف آنان و با پذیرش منافع روسیه و انگلیس در ایران بود حمایت کردند.

بود که «پیش از موافقت نظر با دولت انگلیس، هیچ‌گونه مخالفتی با تفویض هرگونه امتیازات به یکی از تبعه بریتانیا در نواحی ایران واقع در بین دو خط مذکور در ماده ۱ و ۲ ننماید. دولت انگلیس نیز نظیر تعهد فوق را در خصوص تفویض هرگونه امتیازی در نواحی مذکوره ایران به اتباع روسیه بر عهده می‌گیرد. کلیه امتیازاتی که در موقع انعقاد این عهدنامه در مناطق مذکور در ماده ۱ و ۲ وجود دارد به حال خود باقی خواهد ماند.»

ماده چهارم نیز با استثنا کردن برخی از موارد منافع دو دولت در منطقه نفوذ دیگری پیش‌بینی کرده بود: «توضیح آن‌که کلیه عواید گمرکی ایران به استثنای عواید گمرکی فارس و خلیج فارس که وثیقه برای تأدیه منافع و استهلاک قروض شاه ایران به بانک استقراضی روس که تا تاریخ امضای این معاهده به عمل آمده است می‌باشد برای اجرای منظور فوق اختصاص خواهد داشت هم‌چنین، عواید گمرکی فارس و خلیج فارس به انضمام عواید صید ماهی آن قسمت بحر خزر که متعلق به ایران است و عواید حاصله از پست و تلگراف کمافی‌السابق برای تأدیه و استهلاک قروض شاه ایران در مقابل، بانک شاهنشاهی انگلیس که تا تاریخ امضای این معاهده به عمل آمده است اختصاص خواهد داشت.»

در ماده پنجم نیز آمده بود: «در مواردی که مرتباً تأدیه منافع یا قسط استهلاک قروض که دولت ایران در مقابل، بانک استقراضی روس و بانک شاهنشاهی انگلیس تا تاریخ امضای این معاهده بر عهده دارد صورت نگیرد و هرگاه برای دولت روسیه لازم شود که نظارتی در موضوع منافع عایداتی که وظیفه تأدیه منافع قرض دولت ایران در مقابل، بانک استقراضی است و در جزو منطقه مذکور در ماده ۲ می‌باشد برقرار نماید یا دولت بریتانیای کبیر خواسته باشد که نظارتی در موضوع منافع عایداتی که وثیقه تأدیه منافع قروض ایران در مقابل، بانک شاهنشاهی است و در منطقه مذکوره در ماده ۱ معاهده واقع باشد بنماید، دولتین انگلیس و روس تعهد می‌کنند که قبلاً به طور دوستانه تبادل نظری به عمل آورده و متفقاً وسایلی را که برای انجام نظارت مذکوره لازم است اتخاذ نمایند و از هرگونه مداخله‌ای که موافق با اصول مندرجه در این معاهده نباشد اجتناب ورزند.»

تقسیم ایران کنترل بریتانیا و روسیه را بر منافع ارضی و اقتصادی مربوطه آنها در کشور تقویت می‌کرد و همچنین امکان مداخله مداوم در نظام سیاسی ایران را فراهم می‌آورد. این قرارداد تمام شمال ایران را که به تصرفات روسیه در ماوراءالنهر و آسیای مرکزی هم‌مرز بود، به عنوان حوزه نفوذ انحصاری برای منافع روسیه تعیین کرد. زون شمالی این گونه تعریف می‌شد که از قصرشیرین در غرب و در مرز امپراطوری عثمانی شروع می‌شد و از تهران، اصفهان و یزد تا مرز شرقی که مرزهای افغانستان، ایران و روسیه تلاقی می‌کردند، امتداد می‌یافت. یک منطقه کوچکتر در جنوب شرقی ایران که هم‌مرز با هند بریتانیا بود، به‌عنوان یک حوزه انحصاری برای بریتانیا شناخته شد. منطقه بریتانیا از غرب تا کرمان در جنوب مرکزی و بندرعباس در جنوب امتداد داشت. منطقه‌ای که این دو حوزه را از هم جدا می‌کرد، شامل بخشی از ایران مرکزی و کل جنوب غربی، منطقه‌ای بی‌طرف تعیین شد که در آن هر دو کشور و شهروندان خصوصی مربوطه می‌توانستند برای نفوذ و امتیازات تجاری به رقابت بپردازند.

محتوای قرارداد ۱۹۰۷

در سال ۱۲۸۵ مصادف با ۱۹۰۶، جنبش مشروطه در ایران گسترش یافت و شاه را مجبور به پذیرش قانون اساسی و اجازه تشکیل مجلس و برگزاری انتخابات کرد. نه دولت انگلیس و نه دولت روسیه ترتیبات سیاسی جدید را که بی‌ثبات بود، تأیید نکردند و یک دولت دست‌نشانده باثبات را ترجیح دادند که اجازه امتیازات خارجی را می‌داد و از طرح‌های آنها در منطقه حمایت می‌کرد. برای تسهیل اهداف خود در ایران، دولت‌های انگلیس و روسیه در مورد تقسیم آن به سه منطقه بحث کردند. این توافقنامه ظاهراً حاکمیت ایران را به رسمیت شناخت اما آن را به سه منطقه نفوذ جداگانه تقسیم کرد. در این قرارداد مقرر شده بود: «شمال، از جمله اصفهان، به روسیه، جنوب شرقی، به‌ویژه کرمان و سیستان و بلوچستان به بریتانیا اختصاص یابد و زمین‌های باقی‌مانده بین دو قدرت به عنوان منطقه بی‌طرف تعیین شود.»

متن این قرارداد درباره ایران شامل یک مقدمه و ۵ ماده است. در مقدمه آمده بود: «از آن‌جایی که دولت‌های بریتانیای کبیر و روسیه در برابر یکدیگر متعهد شده‌اند که تمامیت و استقلال ایران را محترم شمرده و صمیمانه مایل به حفظ نظم در تمام قلمرو این مملکت و نمو صلح‌جویانه آن و هم‌چنین، طالب استقرار دائمی منافع تجاری و صنعتی سایر ملل می‌باشند و نظر به این که هر یک از دو دولت از لحاظ ترتیبات جغرافیایی و اقتصادی ذی‌نفع در استقرار صلح و امنیت در بعضی از ایالات متصله یا همسایه سرحد روسیه از طرفی و مجاور سرحدات افغانستان و بلوچستان از طرف دیگر، می‌باشند و نظر به این که می‌خواهند از هر گونه موجبات اختلال و کشمکش که ممکن است در منافع طرفین در ایالات مذکوره ایران بروز نماید اجتناب کنند، با مقررات ذیل موافقت نمودند.»

ماده اول پیش‌بینی کرده بود: «دولت بریتانیا متعهد می‌شود در ماورای خطی که از قصر شیرین، اصفهان، یزد و کاخک گذشته و به نقطه‌ای از مرز ایران در محل تقاطع مرز روسیه و افغانستان منتهی می‌شود، برای خود امتیازی، خواه سیاسی باشد و خواه تجاری از قبیل امتیاز راه‌آهن، بانک، تلگراف، راه‌های شوسه، حمل‌ونقل، بیمه و غیره تحصیل ننماید و از اتباع انگلیس یا دولت ثالث در تحصیل این امتیازات پشتیبانی نکند و در صورتی که دولت روسیه درصدد تحصیل این قبیل امتیازات در این ناحیه باشد، دولت انگلیس خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم مخالفتی ابراز نکند. بدیهی است محل‌های تعیین‌شده فوق قطعه‌ای است که دولت بریتانیا متعهد می‌شود درصدد تحصیل امتیازات فوق‌الذکر در آنجا نباشد.»

و در ماده دوم «دولت روسیه از جانب خود متعهد می‌شود در ماورای خطی که از مرز افغانستان از گریک شروع شده و از بیرجند و کرمان گذشته و به بندرعباس منتهی می‌شود، برای خود و اتباع خود و همچنین به نفع اتباع دولت دیگری، امتیازی خواه سیاسی باشد و خواه تجاری از قبیل امتیاز راه‌آهن، بانک، تلگراف، راه شوسه، حمل و نقل، بیمه و غیره تحصیل نکند و در صورتی که دولت انگلیس در صدد کسب این امتیازات برآید، دولت روسیه مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم مخالفتی با آن ننماید. بدیهی است محل تعیین‌شده فوق قطعه‌ای است که دولت روسیه متعهد می‌شود در آنجا در صدد تحصیل امتیازات فوق‌الذکر برنیاید.»

در ماده سوم دولت روسیه از طرف خود متعهد شده



سردارود گری وزیر خارجه بریتانیا از تقسیم منافع روسیه و بریتانیا در آسیا دفاع کرد



حسن وثوق در مقام وزیر خارجه با پذیرش اولتیماتوم روسیه به‌طور عملی به قرارداد 1907 تن داد